

## حقیقت تسبیح موجودات از دیدگاه قرآن

هفت سوره از سوره‌های قرآن کریم به «سُورَ مَسْبِحَاتٍ» معروف‌اند؛ یعنی سوره‌هایی که با الفاظ «سَبَّحَ» و «يُسَبِّحُ» شروع می‌شوند. در آغاز این سوره‌ها و در آیات مختلف قرآن، سخن از تسبیح و حمد موجودات عالم هستی در برابر خداوند بزرگ به میان آمده است که شاید صریح‌تر از همه در سوره اسرا باشد که بدون هیچ‌گونه استثنا، همه موجودات عالم هستی زمین و آسمان، ستارگان و کهکشان‌ها، انسان‌ها و حیوانات و برگ‌های درختان و حتی دانه‌های کوچک اتم را در این تسبیح و حمد عمومی شریک می‌داند:

﴿تَسْبِيحٌ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا﴾!

آسمان‌های هفتگانه و زمین و هرکس که در آنهاست، او را تسبیح می‌گویند و هیچ چیزی نیست مگر اینکه همراه با ستایش، تسبیح او

می‌گوید، ولی شما تسبیح آنها را نمی‌فهمید، یقیناً او بردبار و بسیار  
آمرزنده است.

### حقیقت تسبیح موجودات

در تفسیر حقیقت این حمد و تسبیح در میان دانشمندان و فلاسفه و مفسران،  
بحث بسیار است؛ بعضی آن را حمد و تسبیح حالی دانسته‌اند و بعضی قالی که  
خلاصه نظرات آنها را مرور می‌کنیم:

۱. جمعی معتقدند که همه ذرات موجود این جهان - اعم از آنچه ما آن را  
عقل می‌شماریم یا بی‌جان و غیر عاقل - دارای یک نوع درک و شعورند و در  
عالم خود تسبیح و حمد خدا می‌گویند، هر چند ما قادر نیستیم به نحوه درک و  
احساس آنها پی‌بریم و زمزمه حمد و تسبیح آنها را بشنویم.  
برخی آیات قرآن کریم را می‌توان گواه بر این عقیده دانست؛ مانند:

﴿وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَهْبِطُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ﴾<sup>۱</sup>

بعضی از سنگ‌ها از ترس خدا از فراز کوه‌ها به پایین می‌افتند.

فَقَالَ لَهَا وَ لِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ<sup>۲</sup>

خداوند به آسمان و زمین فرمود: از روی اطاعت یا کراهت به  
فرمان من آید، آنها گفتند: ما از در اطاعت می‌آئیم. به گفته شاعر:

گر تو را از غیب چشمی باز شد

با تو ذرات جهان همراز شد

۱. بقره: ۷۴.

۲. فصلت: ۱۱.

نطق آب و نطق خاک و نطق گل

هست محسوس حواس اهل دل

جمله ذرات در عالم نهان

با تو می‌گویند روزان و شبان

ما سمیعیم و بصیریم و هُشیم

با شما نامحرمان ما خامُشیم

مشکل ما انسان‌ها این است که ملکوتی نیستیم، از این رو، موجودات با ما

حرف نمی‌زنند. به تعبیر مولوی:

محرم جان جمادان چون شوید

چون شما سوی جمادی می‌روید

غلغل اجزای عالم بشنوید<sup>۱</sup>

از جمادی عالم جان‌ها روید

۲. بسیاری معتقدند که این تسبیح و حمد (همان چیزی است که ما آن را

زبان حال می‌نامیم)، حقیقی است نه مجازی، ولی به زبان حال است، نه قال.

توضیح مطلب: بسیار می‌شود به کسی که آثار ناراحتی، درد، رنج و بی‌خوابی

در چهرهٔ او نمایان است می‌گوییم: هر چند تو از ناراحتی ات سخن نمی‌گویی، اما

چشم تو می‌گوید که به خواب نرفتی و چهره‌ات گواهی می‌دهد که از درد و

ناراحتی جان‌کاهی رنج می‌بری.

این زبان حال گاهی آن قدر قوی و نیرومند است که زبان قال را تحت‌الشعاع

خود قرار می‌دهد و به تکذیب آن برمی‌خیزد و به گفته شاعر:

گفتم که با مکر و فسون پنهان کنم راز درون

پنهان نمی‌گردد که خون از دیدگانم می‌رود

از سوی دیگر آیا می‌توان انکار کرد که یک تابلوی بسیار زیبا که شاهکاری از هنر راستین است، گواهی بر ذوق و مهارت نقاش می‌دهد و او را مدح و ثنا می‌گوید؟  
آیا می‌توان انکار کرد که دیوان شعر شعرای بزرگ و نامدار از قریحه عالی آنها حکایت می‌کند؟

آیا می‌توان منکر شد که ساختمان‌های عظیم، کارخانه‌های بزرگ، مغزهای پیچیده الکترونیک و امثال آنها، با زبان بی‌زبانی از سازنده و مخترع خود سخن می‌گویند و هر یک در حد خود از آنها ستایش می‌کنند؟  
بنابراین باید قبول کرد که عالم شگرف هستی با آن نظام عجیبش، با آن همه رازها و اسرار، با آن عظمت خیره‌کننده‌اش و با آن ریزه‌کاری‌های حیرت‌زا همگی تسبیح و حمد خدا می‌گویند.

مگر تسبیح، جز به معنی پاک و منزّه شمردن از عیوب است؟ ساختمان و نظم این عالم هستی می‌گوید که خالق آن از هرگونه نقص و عیبی مبرا است.  
مگر حمد، چیزی جز بیان صفات کمال آن است؟ نظام جهان آفرینش از صفات کمال خدا، از علم بی‌پایان، قدرت بی‌انتها و حکمت وسیع و فراگیر او سخن می‌گوید.

مخصوصاً با پیشرفت علم و دانش بشر و پرده برداشتن از گوشه‌هایی از اسرار و رازهای این عالم پهناور، این حمد و تسبیح عمومی موجودات آشکارتر شده است.

اگر یک روز آن شاعر نکته‌پرداز، هر برگ‌گی از برگ‌های درختان سبز را دفتری از معرفت کردگار می‌دانست، دانشمندان گیاه‌شناس امروز درباره‌ی این برگ‌ها نه یک دفتر، بلکه کتاب‌ها نوشته‌اند و از ساختمان اسرارآمیز کوچک‌ترین اجزای آن؛ یعنی از سلول‌ها گرفته تا طبقات هفتگانه برگ و دستگاه تنفسی آن و رشته‌های آبیاری، تغذیه و سایر مشخصات بسیار پیچیده برگ‌ها در این کتاب‌ها، بحث‌ها کرده‌اند.

بنابراین هر برگ‌گی شب و روز نغمهٔ توحید سرمی‌دهد و آواز رسای تسبیحش را در درون باغ و جنگل، بر فراز کوه‌ها و در خمیدگی دره‌ها پخش می‌کند، اما بی‌خبران چیزی نمی‌فهمند و آن‌را خاموش و زبان بسته می‌شمارند. این معنی برای تسبیح و حمد عمومی موجودات کاملاً قابل درک است و نیاز به آن ندارد که ما برای همهٔ ذرات عالم هستی درک و شعور قائل شویم؛ چرا که دلیل قاطعی برای آن در دست نیست و آیات گذشته نیز به احتمال زیاد همان زبان‌حال را بیان می‌کند.<sup>۱</sup>